

راهپیمایی و تظاهرات بزرگ و سراسری در روز جهانی کارگر کارگران: حجره نشینان دشمن کارگرانند!

اطلاعیه دبیرخانه

شورای مرکزی

سازمان فدائیان

خلق ایران

(اکثریت):

با اندوه بسیار به

اطلاع می‌رساند

یار وفادار و

استوار جنبش

آزادی و داد

رفیق

ماندنی انجام

درگذشت

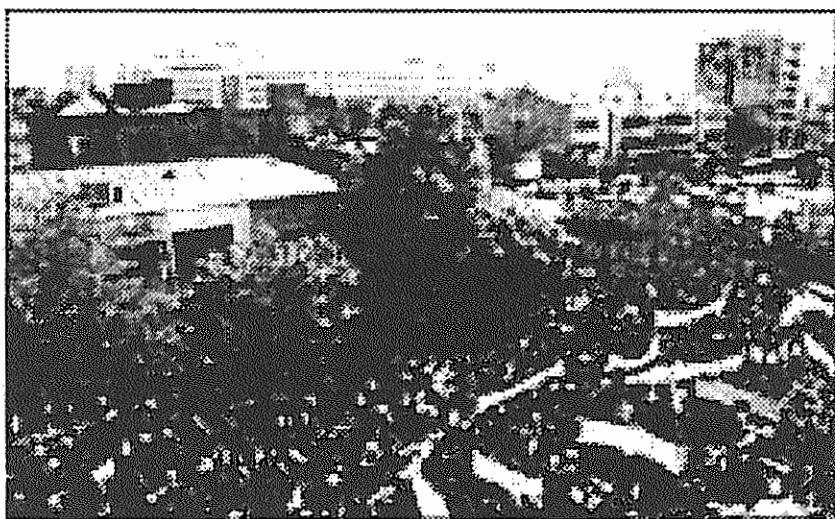
در صفحه ۲

خانه کارگر استان آذربایجان غربی در تعریف مفهوم این «سکوت» اعلام کرده بود، ما می‌خواهیم با این سکوت اعلام کنیم که حامی و پیرو ولی فقیه و ادامه در صفحه ۳

وزارت کشور تنها در آخرین روزها با برگزاری آن موافقت کرد. سران خانه کارگر که سازمانده این تظاهرات بودند اعلام کردند راهپیمایی توأم با سکوت برگزار خواهند کرد. دبیر

● اعتراض گسترده کارگران به سیاست‌های ضدکارگری رژیم ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت
● مطبوعات: این تظاهرات نشانه خوسه‌های خشم کارگران است

ده‌ها هزار تن از کارگران مراکز تولیدی و خدماتی در تهران و بسیاری از شهرهای کشور، به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، پای به خیابان‌ها گذاشتند و تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند. شعار اصلی این تظاهرات مخالفت با طرح اتاق بازرگانی در مورد قانون کار بود که یک فوریت آن در آستانه اول ماه مه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. حضور گسترده کارگران در خیابان‌ها و طرح مطالبات آنان، چنان نقش و اهمیتی در اوضاع روزنامه‌ها نتوانستند در مجلس پیش ببرند، حزب‌الله پی خواهد گرفت. جمهوری اسلامی نوشته است: اگر آقای وزیر ارشاد بر سیاست نادرست فرهنگی، مطبوعاتی و هنری گذشته خود اصرار ورزد، طبعاً دلسوزان جامعه نیز به منظور اصلاح این سیاست نادرست و از ادامه در صفحه ۵



صحنه‌ای از تظاهرات ده‌ها هزار نفری کارگران در روز اول ماه مه در میدان بهارستان تهران

حجره نشینان، دشمن کارگرانند!
تظاهرات کارگری در تهران، ابتدا با مخالفت کمیسیون ماده ۱۰

باشکست تلاش مرتجعین برای برکناری وزیر ارشاد

مردم خواهان آزادی‌های بیشتر برای مطبوعات هستند

با گذشت دو هفته از استیضاح مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد در مجلس شورای اسلامی و ناکامی نمایندگان جناح محافظه‌کار در برکناری وی، بحث بر سر سیاست‌های وزارت ارشاد در عرصه مطبوعات با همان هیجان روزهای داغ استیضاح دنبال می‌شود. مهاجرانی گفته است که سیاست‌ها تغییر نخواهد کرد، مرتجعین کنترل و نظارت بیشتر را طلب می‌کنند و مردم انتظار آزادی‌های بیشتری را برای مطبوعات دارند.

رسالت: این حکایت ادامه دارد
روزنامه‌های کیهان، رسالت، جمهوری اسلامی و ابرار که در تدارک استیضاح دخالت داشتند، اکنون در نوشته‌های خود مهاجرانی را با صفت وزیر «بد قول» و وزیر که با وعده‌های دروغین نظارت بیشتر بر مطبوعات از مجلس رای اعتماد گرفت، توصیف می‌کنند و از وی می‌خواهند بنا بر وعده‌ای که در مجلس داده است، سانسور را بیشتر کند و مطبوعات و

دانشجویان در دانشگاه تهران در دفاع از «حفظ حرمت صاحبان اندیشه و بیان آزادانه افکار» تظاهرات کردند

در حالی که رفسنجانی از دستگیری کرباسچی تنها ابراز تأسف کرده است، تلاش گسترده برای آزادی او از سوی گروهی از نمایندگان مجلس، استانداران، مدیران اجرایی، شهرداران سراسر کشور و حزب کارگزاران سازندگی جریان دارد و خامنه‌ای برای «عفو» او به شدت تحت فشار قرار گرفته است

کرباسچی روانه زندان شد

انتقاد از رفسنجانی شدت می‌گیرد
روز شنبه این هفته و پس از انتقال کرباسچی به زندان نامهای از او به رفسنجانی در جرایم کشور چاپ شد که در آن آمده است: «مشاورت و تلاش در مسائل سیاسی (بخوان حمایت همه‌جانبه از کارگزاران در انتخابات مجلس پنجم) باره نمود و ارائه‌ی طریق» رفسنجانی بوده است و وی «انگیزه‌ی شخصی و مادی» نداشته است. وی در این نامه با وجود تأکید بر اینکه از کسی گلايه و طلب و درخواستی ندارد، تلویحاً سکوت سنگین رفسنجانی و بی‌عملی او را تا زمان افتادن او به زندان مورد انتقاد قرار داده است. او در این نامه نوشته است که «رسیدگی به وضعیت معیشتی و مادی زندگی مدیران و احیاناً دادن امتیازاتی به آنها» مطابق دستور و مجوز کالی‌ای بوده است که رفسنجانی به عنوان مدیر اجرایی کشور داده بود. وی در مصاحبه خود با نشریات در روز رقتن به زندان هم تأکید کرد که از تلاش مقامات که نمی‌توان با اطمینان او را تنها زندانی عقیده دانست. او حداقل معترف است که به تعدادی از مدیران شهرداری تخفیف‌های مالی قابل توجهی داده است. اما وی در عین حال معتقد است که این کار را با اجازه وزارت کشور و بر طبق روال معمول در سایر ادارات دولتی در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی انجام داده است و از این بابت که تنها او را مورد محاکمه قرار داده‌اند مظلوم واقع شده است.

در راه‌پیمایی که پس از پایان تحصن در دانشگاه تهران صورت گرفت، دانشجویان خواستار انحلال دادگاه ویژه روحانیت شدند. این تظاهرات در محاصره نیروهای انتظامی برگزار شد، اما عوامل وابسته به حزب‌الله بارها کوشیدند تظاهرات را بر هم زنند و با دانشجویان درگیر شدند.

روز یکشنبه گذشته، دانشجویان در دانشگاه تهران به یک تحصن ۶ ساعته و راهپیمایی در دانشگاه در دفاع از آزادی بیان و افکار دست زدند. این تظاهرات به دعوت انجمن اسلامی دانشگاه تهران تحت عنوان «حفظ حرمت صاحبان اندیشه و بیان آزادانه افکار و عقاید» برگزار شد و در جریان آن، دانشجویان خواهان

شورای شهر تهران تشکیل شد عبدالله نوری به ریاست شورای شهر انتخاب شد

محافظة کار توان رویارویی برای حذف ۵ کاندید از ۶ کاندید نخست تهران را خواهد داشت. فعالیت نخستین دوره شورای شهر تهران روز پنجشنبه ۹ اردیبهشت با قرائت پیام خامنه‌ای و سخنرانی رئیس‌جمهور آغاز شد. خاتمی در این سخنرانی با همان قاطعیتی که در همایش استانداران ظاهر شده بود، بر پای‌بندی خود به وعده‌هایی که به مردم داده است، تأکید کرد و گفت: «با رعایت مصالح عام جامعه و جستجوی روش‌های حفظ مصالح جامعه، سخت و بدون هیچ گذشت، روی عهدی که با مردم بستیم، می‌مانم.» خاتمی افزود: «با صغیر انگاشتن مردم و خود را یک آن‌ها دانستن، نمی‌توانیم یک حکومت پایدار داشته باشیم.» در اولین جلسه شورای شهر تهران که کرباسچی نیز به عنوان شهردار حضور داشت، اعضای هیات رئیسه انتخاب شدند. در این گزینش، همان‌طور که انتظار

روز یکشنبه گذشته، دانشجویان در دانشگاه تهران به یک تحصن ۶ ساعته و راهپیمایی در دانشگاه در دفاع از آزادی بیان و افکار دست زدند. این تظاهرات به دعوت انجمن اسلامی دانشگاه تهران تحت عنوان «حفظ حرمت صاحبان اندیشه و بیان آزادانه افکار و عقاید» برگزار شد و در جریان آن، دانشجویان خواهان روز یکشنبه گذشته، دانشجویان در دانشگاه تهران به یک تحصن ۶ ساعته و راهپیمایی در دانشگاه در دفاع از آزادی بیان و افکار دست زدند. این تظاهرات به دعوت انجمن اسلامی دانشگاه تهران تحت عنوان «حفظ حرمت صاحبان اندیشه و بیان آزادانه افکار و عقاید» برگزار شد و در جریان آن، دانشجویان خواهان

بسم مقاله

شکستی که می‌توان از آن یک پیروزی ساخت

شکست جناح ارتجاعی حکومت در استیضاح وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بزرگ‌ترین شکست آنان از زمان پیروزی طرفداران آقای خاتمی در دوم خرداد سال ۷۶ تاکنون بود. اهمیت این حادثه تنها در آن نبود که تلاش دشمنان آزادی برای تغییر «سیاست‌های فرهنگی» دولت و بازگشت به سوی اختناق کامل را با شکست مواجه ساخت، شکست مرتجعین در روز یازدهم اردیبهشت، آنان را از یک وسیله تهدید دائمی دولت - یعنی استیضاح وزرا و آن‌طور که افراطیون این جناح در نظر داشتند، استیضاح رئیس‌جمهور - محروم ساخت. اکنون دیگر به نظر نمی‌رسد که ارتجاعیون بتوانند، مگر با پیش‌آمدهای غیرمترقبه، دولت و وزرا را با سلاح استیضاح بترسانند. محافظه‌کاران با این شکست موثرترین وسیله خود در مقابله با دولت و اصلاحات را از دست داده‌اند و خود به دست خود ثابت کردند دیگر توان رویارویی مسالمت‌آمیز با اصلاحات را ندارند. برای آنان راه‌هایی باقی مانده است که هرلحظه پرخطرتر و پرهزینه‌تر می‌شود. یا باید ولایت‌فقیه را مستقیماً وارد عمل سازند، همان کاری که خمینی با بنی‌صدر کرد و یا باید برای سرکوب اصلاحات به سرکوب مستقیم متوسل شوند و این هر دو کار در شرایط فعلی چنان پرمخاطره است که بسیار دشوار به نظر می‌رسد. جناح محافظه‌کار بتواند در مورد آن‌ها به توافق یک پارچه دست یابد. به این ترتیب می‌توان گفت تهاجمی که از آغاز سال جاری با توپ و تشر خامنه‌ای و سپس یزدی آغاز شد و بعداً به عنوان پروژه محرم، سرکوب سریع و فوری و یک باره اصلاحات، معروف شد، شکست خورده است و این شکست می‌تواند توازن قوا در ایران را به کلی دگرگون کند.

در مورد دلایل شکست اکثریت مجلس در استیضاح وزیر ارشاد، دلایل زیادی آورده شده است و از جمله دفاعیه «محکم و مستدل» وزیر، در این سلسله دلایل که در روزنامه‌های ایران برشمرده می‌شود، جای برجسته‌ای دارد. در این تردیدی نیست که دفاعیه مهاجرانی در مجلس و تأکید او بر ادامه سیاست‌های وزارت ارشاد، از عواملی بود که رنگ برخی از ورقه‌های رای را عوض کرد. طرفداران دولت از تجربه استیضاح عبدالله نوری آموختند که سکوت و عقب‌نشینی تنها موجب جری‌تر شدن رقبا می‌گردد. اما جنگ اصلی برای استیضاح وزیر ارشاد و پایان دادن به سیاست‌های نیمه باز مطبوعاتی و فرهنگی، در جامعه جریان داشت. جناح ارتجاعی حکومت برای پیروزی در این استیضاح همه نیروهای مستقیم و حتی نیروهای ذخیره خود را نیز وارد این کارزار کرد و با توسل به روحانیون و مراجع تقلید، و بسیج عوامل خود در میان هنرمندان و «خانواده شهدا» و مطبوعات کوشید مجلس را برای رای دادن به استیضاح تحت فشار قرار دهد. در جبهه ادامه در صفحه ۴

یادداشت

پرونده قتل‌ها
مردم از پیگیری دست بر نمی‌دارند

شش ماه از قتل فجیع حمید حاجی‌زاده و فرزند ۹ ساله‌اش، داریوش فروهر، پروانه اسکندری، مجید شریف، محمد مختاری و محمد جعفر پیونده به دست عوامل وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، پنج ماه از اعتراف دستگاه امنیتی رژیم به دست داشتن در این قتل‌ها و چهار ماه از تعویض وزیر اطلاعات دولت خاتمی به علت این قتل‌ها می‌گذرد. با اینکه نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح گفته است همه عوامل و مباشران و اکثر طراحان این قتل‌ها شناسایی شده‌اند، از محاکمه قاتلان خبری نیست. مقام مذکور (نیازی) اخیراً حتی گفته است رسیدگی به پرونده قتل‌ها تا پایان سال ۱۳۷۸ به طول خواهد انجامید. این در حالی است که مثلاً متهم به مشارکت در قتل اسدالله لاجوردی ظرف مدتی مشابه (حدود شش ماه) از وقوع قتل محاکمه و اعدام شد.

محمد یزدی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در نماز جمعه گذشته تهران، علیرغم اینکه از «پیشرفت بسیار خوب» در رسیدگی به پرونده قتل‌های پانزیر ۷۷ خبر داد، اضافه کرد «لازم است تحقیقات بیشتری برای کشف اهداف و یا احتمالاً انگیزه خارجی قتل‌ها صورت گیرد». یزدی در توضیح به درازا کشیدن رسیدگی به پرونده، به قدسین اسلام متوسل شد و خاطرنشان کرد: «انته مصوم همواره سفارش کرده‌اند که در کشف حق باید صابر بود، لذا در رسیدگی به این پرونده نیز نباید تسریع کرد، چراکه سرعت در اینجا مطلوب نیست».

سخنان یزدی در پاسخ به افزایش فشار افکار عمومی برای اعلام نتایج رسیدگی به پرونده قتل‌ها و محاکمه عوامل آن ابراز گردید. در اوایل اردیبهشت‌ماه، تهران شاهد شعارنویسی شبانه بر روی دیوار برخی از خیابان‌های اصلی و از این طریق، طرح خواست محاکمه قاتلان بود. همچنین هفته گذشته به گزارش روزنامه ایران مورخ ۱۶ اردیبهشت، هیأت دیرینان موقت کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای از رئیس قوه قضائیه خواستند جریان رسیدگی به پرونده قتل‌ها «بیش از حد متعارف و معمول به طول نیانجامد»: در بیانیه کانون نویسندگان خطاب به یزدی آمده است: «روشنفکران ایران به ویژه اهل قلم در سال‌های اخیر نسوبه‌گدانی را از دست داده‌اند که از جمله آرمان‌های برحقشان آزادی بیان و قلم و حاکمیت قانون بوده است و این حقوق ایجاب می‌کند که هر کس بتواند بدون بیم و هراس

اندیشه خود را به کلام درآورد و به چاپ برساند، بی آنکه کسی اجازه داشته باشد در اتاق‌های در بسته حکمی صادر و صاحبان اندیشه را ناصبی و مرتد و مهدورالدم اعلام کند.» کانون نویسندگان در ادامه بیانیه خود با اشاره به سخنان اخیر نیازی مسئول قضائی پرونده قتل‌ها افزوده است: «با عنایت به باقی نماندن کوچک‌ترین نقص در پرونده مگر به قول حجت‌الاسلام نیازی، انگیزه قتل‌ها که بنا بر نظر کارشناسان حقوقی نمی‌تواند بر جریان دادرسی تأثیری داشته باشد، از جنابعالی... می‌خواهیم که اجازه نفرمائید به هر دلیلی جریان رسیدگی به این پرونده مهم ملی بیش از حد متعارف و معمول به طول بیانجامد.»

علاوه بر مردم، روشنفکران و دگراندیشان خارج از حکومت، در درون رژیم نیز برخی از نیروهای اصلاح‌طلب در هفته‌های اخیر از دفع وقت در رسیدگی به پرونده قتل‌ها انتقاد کرده‌اند. هفته گذشته روزنامه صبح امروز که مدیر مسئول آن حجازیان از مشاوران خاتمی و اعضای شورای شهر تهران است، به نتیجه رسیدن پرونده قتل‌ها را از معیارهای سنجش تحقق وعده‌های رئیس جمهور به مردم دانست.

این ابراز نگرانی‌ها نسبت به طولانی شدن رسیدگی به پرونده قتل‌ها بی‌بوده نیست. از همان بدو وقوع جنایات مزبور، جناح مسلط در حکومت به رهبری خامنه‌ای نهایت تلاش خود را به کار برد تا عاملان قتل‌ها از چشمان مردم مخفی بمانند. خامنه‌ای در یکی از نطق‌هایی که چند روز پس از قتل‌های زنجیره‌ای ایراد کرد، «با اطمینان» مدعی شد این جنایات کار قدرت‌های خارجی است. اکنون نیز که پنج ماه از اعتراف صریح وزارت اطلاعات به دست داشتن در قتل‌ها می‌گذرد، گماشتگان خامنه‌ای در دستگاه قضائی ادعای رهبرشان را تکرار می‌کنند و از «انگیزه‌های خارجی» سخن می‌گویند. صریح‌تر از اینکه منظور از «انگیزه‌های خارجی» چیست (قاعدتا منظور آقای یزدی که عنوان عالی‌رتبه‌ترین قاضی جمهوری اسلامی را یدک می‌کشد از «انگیزه خارجی»، محرکان یا مشوقان خارجی است) به تعویق انداختن رسیدگی قضائی به بهانه روشن نبودن انگیزه‌های قتل، نمی‌تواند به چیزی جز اتلاف وقت تعبیر شود. نیازی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح که به علت دخالت مأمورین وزارت اطلاعات در جنایات، به عنوان مسئول رسیدگی به قتل‌ها تعیین شده است، آب پاک‌ی را روی دست همه مشتاقان به دانستن حقیقت در ارتباط با قتل‌ها ریخته است و «وعده» از به طول انجامیدن رسیدگی به پرونده تا پایان سال، یعنی تا حداقل ده ماه دیگر

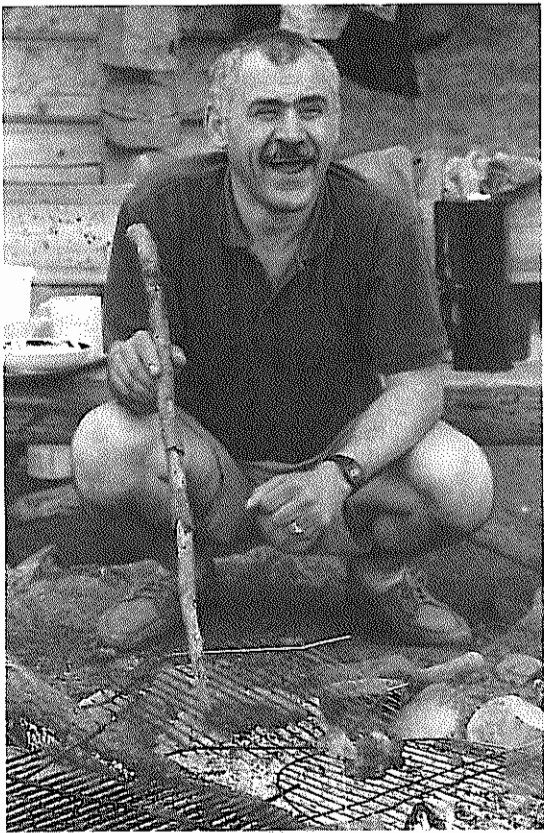
اطلاعیه دبیرخانه شورای مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با اندوه بسیار به اطلاع می‌رساند
یاروفادارواستوارجنبش آزادی‌وداد
رفیق ماندنی انجام، درگذشت

با دروغ و درد، با اندوه بی‌کران، به اطلاع می‌رساند: رفیق ماندنی انجام، رزمنده سرشناس جنبش کارگری ایران، یار وفادار و پرشور جنبش آزادی و داد، کادر برجسته و پرافتخار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تاریخ چهارشنبه ۲۸ آوریل، در بازداشتگاهی در شهر مالمو سوئد، به زندگی خویش پایان داد و دوستان بسیار خود را در اندوه بی‌کران باقی گذاشت. رفیق ماندنی انجام، در ماه‌های اخیر، زندگی بسیار پررندی را از سر می‌گذراند و با همه تلاش یاران، سخت تنها و اندوهگین بود. به درازا کشیدن بازداشت بدون محاکمه او و کوتاهی مسئولین مربوطه در مورد وی نیز بیش از پیش به روح حساس رفیق ماندنی آسیب رساند و او را به سوی فاجعه سوق داد. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با اندوه بسیار درگذشت رفیق ماندنی انجام، یار وفادار کارگران و رنجبران را به خانواده گرمی وی و به همه دوستان و هم‌زمان او تسلیت می‌گوید. باشد که خاطره تابناک این رنجبر رزمنده پر توأفشان راه همه مدافعان عدالت و آزادی باشد. فدائیان خلق در برابر خاطره او به احترام سرفروم می‌آورند و همواره یاد مهربانگیز رفیق همیشه خود را در قلب خویش زنده نگاه می‌دارند. مراسم خاک‌سپاری و همایش بزرگداشت رفیق ماندنی روز جمعه ۱۴ ماه مه، در شهر مالمو، در سوئد برگزار خواهد شد. یاد او گرمی و ره رزم او پر رهرو باد.

دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکم ماه مه ۱۹۹۹
مراسم خاک‌سپاری: جمعه ۱۴ ماه مه، از ساعت ۱۱ صبح در محل Limhamns Kyrkogard
همایش بزرگداشت: جمعه ۱۴ ماه مه، ساعت ۱۸/۳ در محل Folketshus واقع در Nobels Torget در شهر مالمو، سوئد

پایانی تراژیک برای یک مبارز شوریده



آوریل گذشته به طور غم‌انگیزی به زندگی خود پایان داد. همه کسانی که ماندنی را می‌شناختند می‌دانستند که او چقدر عاشق بود، عاشق عدالت و آزادی، عاشق دوستان و رفقا، عاشق سازمانی که برای آن فداکاری‌های بزرگی کرده بود. به جنبش کارگری و سازمان خدمات زیادی کرد، آن قدر خوب بود که تحمل آن همه ظلم و بیاد را که در جهان و پیرامون او می‌گذشت، نداشت. او کمونیست بود، اما کمونیستی نبود که با خواندن کتاب کمونیست شده باشد، شرایط زندگی و محیط پیرامون، از او یک کمونیست ساخته بود. از این رو هم علیرغم شکست‌های سخت، همچنان کمونیست باقی ماند. او امید و آرزوهای اجتماعی و سیاسی خود را از دست نداده بود. رفیقی که از آغاز پیوستن ماندنی به سازمان او را می‌شناخت، درباره او می‌گوید: دوری از میهن و یاران و آشنایان که ماندنی عاشق آنان بود، او را عذاب می‌داد و آرزویش این بود که دوباره به ایران و به محل کار خود در کارخانه فولاد به میان یاران پیشین خود برگردد.

رفیق ماندنی در سال ۱۳۳۲ در یکی از روستاهای مسجدسلیمان، در یک خانواده زحمتکش چشم به جهان گشود. در شانزده سالگی به شهر اهواز مهاجرت کرد و پس از مدتی کارآموزی، در کارخانه فولاد اهواز مشغول کار شد و ضمن کار به تحصیل پرداخت. او در سازمان‌های اعتصابات و مبارزات کارگران فولاد در دوران انقلاب و پس از انقلاب نقش اساسی داشت. ماندنی به خاطر صفات برجسته و ویژه‌ای

زاده سرزمین آفتاب و پرورده مکتب زندگی و کار بود. سودای بزرگی در سر و قلب مهربانی در سینه داشت. مبارز شوریده‌ای بود که برای آرزوهای انسانی‌اش رزمید و ناملایمات بسیاری را متحمل گشت. اما افسوس که قلب گرم و مهربانش در نیمه راه مبارزه، مغلوب نامردمی‌ها و بیادیه زمانه گشت و در قفس سرد غربت، بدون نظاره و بدرقه پدرودگری از پیش باز ایستاد. مبارز زاده سرزمین خورشید را دیگر نه تحمل زیستن در دیار سرد غربت بود، نه دوری از میهن و یاران و نه نظاره‌گری بی‌ادب جهان‌گستر. پایان زندگی او پایان تراژیک زندگی یک مبارز شوریده راه عدالت و آزادی در قفس تنگ و سرد غربت بود. سرخ گلی که محروم از گرمای جان‌بخش میهن پژمرده گشت.

در آخرین ماه‌های زندگی، به دلیل بروز مشکلات شخصی، زندگی سخت و دشواری را می‌گذراند و روحیه‌اش به شدت آسیب‌دیده بود. به یکی از رفقاییش گفته بود: رفیق جان، در غربت چه چیزی بیش از این از دست من و تو ساخته است، ما در این دیار چیز زیادی برای گفتن نداریم، ریشه‌امان را در سرزمین‌مان جا نهدا، ریشه‌ایم، تنه بی‌ریشه زود خشک می‌شود. بر اثر همین تلاطمات روحی، در نابوری به دیگری با یکی از دوستانش برخاسته بود و همین او را راهی زندان کرد. علیرغم توصیه‌های مکرر دوستانش به پلیس سوئد که او در وضعیت روحی مناسبی به سر نمی‌برد و نباید در زندان انفرادی بماند، آن قدر او را در زندان انفرادی نگاه داشتند تا روز چهارشنبه ۲۸

که داشت در میان کارگران از اعتبار و نفوذ فراوانی برخوردار بود. کارگران به خاطر صمیمیتی که با او داشتند، او را «ماندو» صدا می‌کردند. رفیق ماندنی در آستانه انقلاب به سازمان پیوست و در جلب و جذب عده بسیاری از کارگران اهواز به سازمان نقش مهمی داشت. او به همراه عده‌ای از فعالین شورایی، به جرم سازماندهی اعتصاب کارگران فولاد در سال ۵۹ بازداشت و زندانی شد و مدتی را در زندان به سر برد. به دنبال هجوم

سر نوشت نامعلوم «همشهری»

است کلیه مراکز باقیمانده با ماهیت فرهنگی، هنری، ورزشی و آموزشی عمومی را طی یک ماه به سازمان مذکور واگذار کند. به هنگام تصویب این ماده، عبارت «از جمله شهر کتاب، فعالیت‌های تبلیغاتی شهری، موسسه و روزنامه همشهری» از این تبصره حذف شده است. همین اصلاحیه مورد تأکید مسئولین فعلی روزنامه همشهری است که مدعی‌اند این روزنامه نباید در اختیار شهرداری، و از این بعد شورای شهر تهران، باقی بماند.

تاکید کرد مطابق این مصوبه روزنامه همشهری باید در اختیار سازمان او قرار گیرد. وی گفت شهرداری تهران موظف خواهد بود ظرف یک ماه موسسه فرهنگی همشهری را به سازمان فرهنگی - هنری انتقال دهد. وی گفت که خط مشی فعلی این روزنامه تغییر خواهد کرد و «روزنامه همشهری از این بعد در خدمت اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی خواهد بود و خود را در چارچوب منافع تنگ

مجلس شورای اسلامی طرح واگذاری موسسات فرهنگی و هنری شهرداری تهران به سازمان فرهنگی - هنری شهرداری را به تصویب رساند. هدف اصلی این طرح، انتقال مدیریت روزنامه همشهری به این سازمان، که در اختیار جناح سرکوبگر حکومت است، و خارج کردن آن از کنترل شهرداری، و در آینده شورای شهر تهران، است. به دنبال تصمیم مجلس، منصور واعظی رییس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری در مصاحبه‌ای با یکپایان

درگیری در دانشگاه اصفهان

به دنبال دعوت انجمن اسلامی دانشگاه اصفهان از مهندس عزت‌الله سبحانی برای سخنرانی، این دانشگاه شاهد دو ساعت درگیری دانشجویان با عوامل حزب‌الله بود و سرانجام نیز سبحانی موفق به سخنرانی نشد. به گزارش کیهان دعوت سبحانی به سخنرانی بدون اطلاع نهاد نمایندگی ولایت فقیه در این دانشگاه صورت گرفته بود و از همین رو با مخالفت «دانشجویان اصول‌گرا» مواجه شد. به نوشته این روزنامه درگیری از طرف انجمن اسلامی شروع شد و چند نفر از دانشجویان حزب‌اللهی مجروح شدند. اما روزنامه جمهوری اسلامی در گزارشی پیرامون این حادثه نوشته است: گروهی از دانشجویان با اطلاع از سخنرانی سبحانی، به مسئولین دانشگاه مراجعه کرده و خواستار جلوگیری از حضور نامبرده شدند، که وقتی با اقدامی عملی از سوی مسئولین دانشگاه مواجه نشدند، خود راسا با حضور در محل برگزاری میزگرد و با شعارهایی علیه سبحانی و نهضت آزادی، از سخنرانی وی جلوگیری کردند. انجمن اسلامی دانشکده پزشکی اصفهان طی چند روز اقدام به برگزاری میزگردهایی تحت عنوان «جریان‌های ملی و مذهبی یک صد سال اخیر» کرده بود.

طرح اتاق بازرگانی چه نتایجی را به دنبال خواهد آورد؟

طرح خارج کردن کارگاه‌های ۳ نفر و کمتر که توسط اتاق بازرگانی به ریاست محسن خاموشی و حمایت همه‌جانبه عسگرآولادی تهیه و به مجلس ارائه شده است، اعتراضات بی‌سابقه‌ای را برانگیخته است که یادآور اعتراضات گسترده کسارتگری در زمانی است که تسوکی، وزیر کار وقت، می‌خواست روابط کاری در ایران را بر مبنای «اجاره» قرار دهد. این طرح زمانی در دستور کار بازاربان قرار گرفت، که تلاش‌های آن‌ها برای تغییر قانون کار بر اثر مقاومت‌های جامعه کسارتگری، آزادی‌خواهان و اصلاح‌طلبان حکومتی شکست خورد.

کارگران در سخنرانی‌هایی که در اول ماه مه، روزهای پیش از آن برگزار شد، پیامدهای تصویب این طرح بسیار زیانمند را به طور همه‌جانبه‌ای افشا کرده و آن را به مثابه فاجعه‌ای برای کارگران و زحمتکشان ارزیابی کردند. با تصویب این طرح بیش از دو میلیون کارگر از شمول قانون کار خارج شده و نزدیک به یک و نیم میلیون کارگاه از کنترل و حمایت‌های قانونی محروم می‌شوند. کار کودکانی رسماً آزاد می‌شود، هرگونه لزوم اجرای مقررات ایمنی کارکنان گذاشته خواهد شد و حوادث ناشی از کار بالا خواهد رفت. کارگران می‌گویند از نتایج فاجعه‌بار دیگر این طرح، تضعیف موقعیت کارگران در برابر کارفرمایان خواهد بود، زیرا کارفرمایان مراکز تولیدی، امکان می‌یابند با وجود بیکاری گسترده در سطح کشور، دستمزد را پایین نگاه دارند و با استخدام



موقت و پیمانی کارگران، حقوق و مزایای ناچیز آن‌ها را نیز قطع کند و در صورت هر اعتراض و مقاومتی کارگران را اخراج کنند. بنا بر برخی پیش‌بینی‌ها، بسیاری از کارفرمایان با اخراج کارگران خود، تعداد کارگران کارگاهشان را به زیر ۴ نفر خواهند رساند تا از شمول قانون کار خارج شوند و علاوه بر فشارهای پیش‌گفته بر کارگران، از پرداخت بیمه و دیگر حقوق اجتماعی نیز خودداری کنند. این تجربه اکنون در مورد کارگاه‌های تا ۵ نفر از سوی کارفرمایان انجام شده و نتایج تکان‌دهنده‌ای به همراه آورده است. دبیرکل خانه کارگر در این زمینه گفته است، تجربه ۱۵ ساله گذشته کشور در مورد معافیت کارگاه‌های زیر پنج نفر از شمول قانون تأمین اجتماعی به این

موقت و پیمانی کارگران، حقوق و مزایای ناچیز آن‌ها را نیز قطع کند و در صورت هر اعتراض و مقاومتی کارگران را اخراج کنند. بنا بر برخی پیش‌بینی‌ها، بسیاری از کارفرمایان با اخراج کارگران خود، تعداد کارگران کارگاهشان را به زیر ۴ نفر خواهند رساند تا از شمول قانون کار خارج شوند و علاوه بر فشارهای پیش‌گفته بر کارگران، از پرداخت بیمه و دیگر حقوق اجتماعی نیز خودداری کنند. این تجربه اکنون در مورد کارگاه‌های تا ۵ نفر از سوی کارفرمایان انجام شده و نتایج تکان‌دهنده‌ای به همراه آورده است. دبیرکل خانه کارگر در این زمینه گفته است، تجربه ۱۵ ساله گذشته کشور در مورد معافیت کارگاه‌های زیر پنج نفر از شمول قانون تأمین اجتماعی به این

جنبش دانشجویی و سنت همبستگی با زحمتکشان

رفتاری که در سال‌های اخیر جای خود را در هنجارهای اجتماعی باز کرده است. واقعیت این است که در دهه‌های گذشته، حقوق و آزادی‌های فردی آنطور که باید جایی در نظام ارزشی جنبش‌ها نداشت. در نگرش فردگرایانه در این جنبش تا حد نفی فردیت انسان‌ها و بی‌توجهی به حقوق و آزادی‌های فردی افراط می‌شد. اکنون، شاهد نوسان آنگ از آن افراط به تقریب شده‌ایم. در میان بسیاری از فعالان جنبش آزادیخواهی در کشور ما به علت سابقه ذهنی موجود، بدبینی نسبت به هرگونه نفی فردیت و آزادی فردی، به بدبینی نسبت به شعارهای سنتی چپ در دفاع از حقوق اجتماعی و همبستگی اجتماعی انجامیده است، به ویژه نیز از این رو که آیدنولوژی حاکم در جمهوری اسلامی در یک شباهت سطحی با آیدنولوژی چپ سنتی، نقش فرد و خواست‌ها و آزادی‌های او را تحت‌الشعاع جمع که در این آیدنولوژی امت نام دارد قرار می‌دهد.

جمهوری اسلامی در عین اینکه در ۲۰ سال اخیر فرد مردم ایران را به بهانه مصالح امت از آزادی‌های شخصی محروم کرده، با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خویش و بیگانه کردن انسان‌ها از جامعه، شدیدترین فردگرایی فراهم نموده است.

با این همه، می‌توان و باید در محیط دانشجویی تناسب و تعادل لازم میان مبارزه برای حقوق فردی و حقوق اجتماعی، میان خواست‌های سربخش دانشجویان با عنوان جوانانی با نیازهای طبیعی انسانی و تعهد اجتماعی آنان، به وجود آورد. لازمه ایجاد این تعادل و استیصال بیشتر دانشجویان از اندیشه همبستگی اجتماعی، رساندن صدای چپ مدرن و نوسازی شده به گوش دانشجویان است، چپی که زنگار نفی فردیت و پسی‌اعتنایی به حقوق و آزادی‌های فردی را از اندیشه خود زدوده است. در این زمینه هم پیشروان جنبش دانشجویی و هم فعالان جنبش کارگری و جنبش چپ مسئولیت دارند. □

زحمتکشان برای بهبود شرایط زندگی خود، ضرورت دارد. از یک سو، غیرقابل تصور است که جنبش دمکراسی در ایران بدون حمایت توده‌های میلیونی زحمتکشان به سرانجام رسد، و از سوی دیگر میزان تأثیرگذاری کارگران و زحمتکشان بر سیاست کشور منوط به تحقق اهداف جنبش آزادیخواهانه و از جمله، آزادی تشکلهای و مبارزات صنفی است.

در حال حاضر، موانعی بر سر راه درک این ضرورت در جنبش دانشجویی وجود دارد. این جنبش، از یک گسست در تداوم مبارزات خود رنج می‌برد، گسستی که با اخراج، زندانی شدن و حتی اعدام هزاران فعال دانشجویی از ۱۳۵۹ به بعد آغاز شد و در طول سال‌های ۶۰ و نیمه نخست دهه ۷۰، سال‌های رکود جنبش دانشجویی، ادامه یافت.

در این سال‌ها، امکانی برای انتقال نسل به نسل سن نهضت دانشجویی ایران نبود. دانشجویان امروز، تنها از طریق کتاب‌ها و نشریات با این سنن آشنا می‌شوند. متأسفانه به علت سرکوب خشن نیروهای چپ توسط حکومت جمهوری اسلامی که هنوز ادامه دارد، نسل فعلی دانشجویان از منابع مهمی در آشنایی نظری با اندیشه‌های چپ نیز محروم است.

در نتیجه، به نظر می‌رسد در جنبش دانشجویی کشور حساسیت نسبت به وضعیت توده‌های مردم زحمتکش و ضرورت توجه به خواست‌های آنان در جنبش اصلاح‌طلبی موجود، به حدی که لازم است وجود ندارد. اخیراً در تهران و بسیاری دیگر از شهرهای کشور تظاهرات اول ماه مه کارگران با خواست‌هایی کاملاً مشخص و مربوط به سیاست روز (از جمله، طرح خارج شدن کارگاه‌های دارای سه کارگر و کمتر از شمول قوانین کار و تأمین اجتماعی) برگزار شد. در اکثر این گردهمایی‌ها و از جمله در بزرگ‌ترین آنها در تهران، چای دانشجویان و تشکلهای آنان خالی بود. دفتر تحکیم وحدت که به علت فقدان هرگونه آلت‌ناتیو، به تشکل دانشجویان آزادیخواه مذهبی و غیرمذهبی تبدیل شده است و در قبال همه موضوعات مهم سیاست روز موضعگیری و

اکنون دانشگاه‌های کشور که جمهوری اسلامی پس از تصفیه خونین موسوم به انقلاب فرهنگی از ۱۳۵۹ به بعد، امیدوار بود از آن هیچ صدای آزادیخواهی برنخیزد، بار دیگر به یکی از کانون‌های اصلی مبارزه برای دمکراسی و احقاق حقوق پامال‌شده مردم تبدیل شده است. روزی نیست که دانشجویان و تشکلهای آنها در حاشیای دفاع از آزادی بیان و مطبوعات و علیه جناح آزادی‌ستیز حکومت سازمان ندهند. همزمان با شرکت در فعالیت‌های سیاسی روز، هزاران دانشجوی نسل جدید که سال‌های پرتلاطم انقلاب را شخصاً تجربه نکرده‌اند، تشنه حقیقت و دانستن، به کنکاش و مطالعه پیرامون تاریخ معاصر ایران و علل شکست جنبش‌های پیشین مردم برای آزادی مشغولند.

علاقه نسل جدید دانشجویان به تاریخ معاصر مبارزات آزادیخواهانه در کشور ما بسیار مثبت است و می‌تواند پیوند جنبش دانشجویی را با سنت‌های نیک نسل‌های گذشته این جنبش برقرار کند.

از جمله سنن جنبش دانشجویی در کشور ما (و نه فقط در کشور ما)، پیوند آن با جنبش و خواست‌های طبقات و اقشار زحمتکش است. در تاریخ معاصر ایران و به ویژه در دهه‌های ۲۰ تا ۵۰، اکثریت فعالین سیاسی دانشجویی صرفنظر از خاستگاه طبقاتی‌شان، به جنبش‌های چپ متمایل بوده‌اند. بخش بزرگی از فعالان احزاب و سازمان‌های چپ و مدافع حقوق و خواست‌های کارگران و زحمتکشان، از جنبش‌های دانشجویی برخاسته‌اند. پیوند جنبش‌های دانشجویی و کارگری در ایران منشأ تحولات مهم سیاسی شده است. در جریان انقلاب ۱۳۵۷ نیز چنین شد. دانشگاه‌ها و صنعت نفت از کانون‌های اصلی مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه بودند. در حال حاضر نیز پیوند بین جنبش دانشجویی و خواست‌های طبقات و اقشار زحمتکش جامعه، هم برای تحقق اهداف آزادیخواهانه جنبش دانشجویی و کل نهضت آزادیخواهی در ایران، و هم برای تقویت مبارزه

جای خالی «آزادی» در تظاهرات اول ماه مه!

محدود نمی‌شود و به بیان روشن‌تر هدف طبقه کارگر تنها این نیست که شرایط مشقت‌بار زندگی فعلی خود را حفظ کند و مانع سقوط بیشتر آن شود. این مبارزه برای آن است که این شرایط را دگرگون کند و زندگی بهتر و انسانی‌تری را به همراه بیاورد. از همین رو، مبارزه کارگران یک رشته خواست‌های اساسی دیگر را نیز شامل می‌شود که متوجه تغییر این وضع است. اما از این خواست‌ها در تظاهرات اول ماه مه نشانی نبود! این تظاهرات توسط خانه کارگر برگزار شد و تحت تأثیر شدید شعارهای این تشکل حکومتی قرار داشت. هر چند اقدام خانه کارگر در برپایی این تظاهرات، یکی از اقدامات قابل توجه این تشکیلات در دوران موجودیت خود می‌باشد، اما مسئولان خانه کارگر با تهیه صدها پلاکارده، حمایت کارگران از نظام اسلامی را مورد تأکید قرار دادند و کوشیدند تظاهرات اول ماه مه را به تظاهراتی از پشتیبانی از دولت تبدیل کنند. در شعارهای خانه کارگر، نشانی از مهم‌ترین و فوری‌ترین خواست طبقه کارگر ایران یعنی ایجاد تشکلهای مستقل و واقعی طبقه کارگر و سندیکاهای کارگری نبود.

اما چشم‌گیرترین نکته در این میان آن بود که در تظاهرات کارگری اول ماه مه، هیچ شعار، خواسته و مطالبه‌ای در جهت دفاع کارگران از آزادی مطرح نشد و هیچ پلاکاردی با مضمون آزادی‌خواهانه برافراشته نگردید. شاید آنان که

اسلامی هستند، این خواست سراسری کارگران ایران مورد پشتیبانی همه نیروهای دمکراتیک و عدالت‌جوی کشور قرار دارد و باید قرار گیرد. نمایندگان کارگران در سخنرانی‌های مختلف خود مستند کرده‌اند که اگر کارگاه‌های ۳ کارگر و کمتر، از شمول قانون کار فعلی خارج شوند، وضعیت کارگران در ایران بیش از این به خطر خواهد افتاد، ابعاد بیکاری در ایران، که اکنون نیز بسیار نگران‌کننده است، به طور فاجعه‌باری افزایش خواهد یافت و اقتصاد در هم شکسته ایران را با پرحرائی بزرگ‌تر مواجه خواهد ساخت که اثرات آن همه مردم ایران را تحت فشار قرار خواهد داد. این واقعیت نشان می‌دهد که نه فقط کارگران، بلکه همه مردم از تصویب این طرح به شدت زیان می‌بینند. به همین جهت نیز خواست‌های کارگران، مورد پشتیبانی بسیاری از آزادی‌خواهان قرار گرفته است و این امید بیشتر شده است که کارگران و دانشجویان و سایر اقشار مردم ایران، در مبارزه مشترک خود برای آزادی و در مبارزه خویش برای دستیابی به حقوق ویژه خود، بیش از پیش به یاری یک‌دیگر برخیزند.

تظاهرات سراسری کارگران در اول ماه مه تنها به دفاع از قانون کار فعلی محدود شد. هر چند تعرض سردمداران ارتجاع برای تغییر قانون کار، مبارزه برای جلوگیری از این نقشه را به امر فوری طبقه کارگر تبدیل کرده است، اما خواست‌های کارگران ایران در این عرصه

برای نخستین بار بعد از سال‌ها، امسال در روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، ده‌ها هزار کارگر با شعارها و خواست‌های یکسان در سراسر کشور به خیابان‌ها آمدند و گوشه‌ای از قدرت و اتحاد خویش را به نمایش گذارند. کارگران در صفوف انبوه این تظاهرات سراسری از مسئولین و مقامات حکومت خواستند که مطالبات آنان را برآورده سازند. از زمانی که در نخستین سال‌های پس از انقلاب، تشکلهای مستقل کارگری و سازمان‌های سیاسی چپ در ایران سرکوب شدند، برپایی تظاهرات کارگری با این ابعاد گسترده در کشور، بی‌سابقه بود. و از همین روست که تظاهرات اول ماه مه امسال را می‌توان یک گام بزرگ در جنبش کارگری ایران به پیش دانست که نیروی بیکران طبقه کارگر را با نام و مطالبات خود وارد جنبش سیاسی و اجتماعی موجود در ایران کرد. اول ماه امسال، نشانه شروع یک جنبش طبقاتی قدرتمند برای دفاع از حقوق کارگران ایران در برابر ترس‌های کارفرمایان و سرمایه‌دارانی است که می‌کوشند به بهای نابودی زندگی میلیون‌ها کارگر ایرانی، خود را از بحران اقتصادی نجات دهند و سفره‌های خود را از طریق فقر و بدبختی بیشتر کارگران رنگین کنند.

خواست اساسی کارگران در روز اول ماه مه، در سراسر ایران، اعتراض به محدود ساختن دامنه قانون کار به کارگاه‌های دارای بیش از ۳ کارگر بود. با توجه به تلاش‌ها و برنامه‌های تجار بزرگ و نمایندگان آن‌ها که مبتکر مستقیم این طرح در مجلس شورای

آشکارترین نشانه آن بود که مسئولان خانه کارگر که داعیه نمایندگی طبقه کارگر ایران را دارند، نمایندگان واقعی این طبقه نیستند و نمی‌توانند رهبر و پیشرو کارگران ایران در مبارزه برای آزادی و برخورداری از حقوق سندیکایی و تأمین شرایط زندگی انسانی باشند. ما همانگونه که تاکنون بارها بر این واقعیت تأکید کرده‌ایم، باز نیز می‌گوییم که کارگران ایران باید از هر اقدام و عمل خانه کارگر، ولو جزئی و کوچک که در دفاع از حقوق کارگران و اعتراض به غارتگری سرمایه‌داران و تجار و عوامل آن‌ها صورت می‌گیرد، حمایت کنند. اما دمی نیز نباید در این فریب اسیر شد که گویی خانه کارگر می‌تواند کارگران ایران را در مبارزه برای تحقق خواسته‌هایشان رهبری کند. کارگران ایران برای این که بتوانند در صف مقدم مبارزه برای دمکراسی و حقوق صنفی و سندیکایی در ایران قرار گیرند و به چنان نیرویی تبدیل شوند که حکومت و سرمایه داران را در برابر خواست‌های خویش و آوار به عقب‌نشینی کنند، به سندیکاهای و تشکیلات مستقل و دمکراتیک خویش نیاز دارند. تظاهرات سراسری اول ماه مه، که به دنبال انبوه پرشمار اعتراضات کارگری در یک ساله گذشته برگزار شد، نشان داد که طبقه کارگر ایران نیرویی توانمند است و این توانایی‌های خود را نیز نشان می‌دهد. اکنون وقت آن رسیده است که کارگران با برپایی سازمان‌های طبقاتی و سندیکایی خویش، نقشی بزرگ‌تری را در مبارزه برای آزادی و زندگی بهتر برعهده بگیرند. □

شورای شهر تهران تشکیل شد

ادامه از صفحه اول
نظرخواهی از مردم و گروه‌های مختلف برگزیده شود. از گمانه‌زنی‌های مطبوعات نزدیک به جناح‌ها، پیداست که شهردار آتی نیز از میان افراد وابسته به حکومت خواهد بود و شورایی که بسا رای مردم انتخاب شده، شهردار آینده را در میان آنان جستجو نخواهد کرد. از هم‌اکنون محسن صفایی فراهانی، اصغرزاده، عطر یانفر از طرف کارگزاران و دانش آشنایی از طرف جناح چپ حکومت کاندیدای شهرداری تهران هستند.

رویدادهای شورای شهر تهران چنان اخبار سایر شوراهای کشور را تحت تاثیر قرار داد که اقدامات هیات نظارت در سایر شهرها در سایه قرار گرفت و روزنامه‌ها کمتر به بررسی شوراهای شهرهای مهمی مثل اصفهان، تبریز و مشهد پرداختند. طبق تصمیم هیات عالی نظارت، در استان اصفهان انتخابات شهرهای فولاد شهر، نجف‌آباد، علویچه، گلدفش، دهن و بخش مرکزی نجف‌آباد باطل شد. در همین استان علیرغم تأیید «کلی» انتخابات اصفهان، آرای چند نفر در اصفهان، سیرم، قهقردار و کاشان با استناد به بند «د» ماده ۱۹، باطل شد. در استان تهران انتخابات کرج و در اردبیل آرای برخی از کاندیداهای شهر گوی، باطل اعلام شد. در بسیاری از بخش‌ها و روستاهای دیگر هیات نظارت

مردم خواهان آزادی‌های بیشتر...

ادامه از صفحه اول
بین بردن انحرافات که در عرصه فرهنگ، مطبوعات و هنر وجود دارد، به وظیفه خود عمل خواهند کرد.

مهاجرانی: مشی

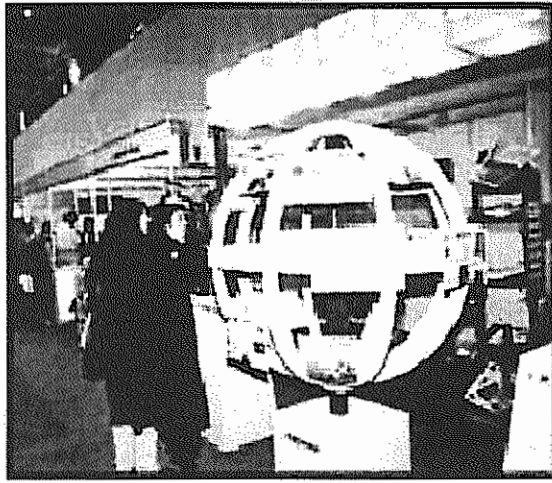
وزارت ارشاد تغییر نمی‌کند
در پاسخ به این روزنامه‌ها، مهاجرانی روز سه‌شنبه ۱۴ اردیبهشت، سه روز بعد از استیضاح، در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «اگر ما می‌خواستیم که نظرات استیضاح‌کنندگان را لحاظ کنیم که استیضاح نمی‌شدیم» و افزود: اعتقاد نداریم که در صحبت‌های مخالفان هیچ مطلب حتی نیست، اما این که ما متناسب با دیدگاه آنان خط‌مشی وزارت فرهنگ و ارشاد را تعیین کنیم، چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

پایان «اکثریت» در مجلس؟

گرداندگان کیهان، رسالت و نمایندگان جناح راست انتظار نداشتند که مهاجرانی از مجلس رای اعتماد بگیرد. طبق محاسبه آنان مهاجرانی رتی بود. جناح راست برای حذف وی از کابینه به قدر کافی زمینه‌سازی کرده بود و حتی شب قبل از جلسه استیضاح ۱۲۵ تن از نمایندگان مخالف دولت برای برکناری مهاجرانی و تغییر در سیاست دولت خاتمی در عرصه فرهنگ و مطبوعات «هم‌قسم» شده بودند.

روز استیضاح با هلهله جناح راست و دلپره طرف‌داران خاتمی آغاز شد. بعد از ۷ ساعت گفتگو و رای‌گیری در پایان جلسه، نام مخالفان دولت بودند که ناکام، سرفراکنده و پراکنده مجلس را ترک کردند. استیضاح ائتلاف طرفدار خاتمی را به هم نزدیک کرد و بنا بر تعبیر برخی از روزنامه‌های داخل کشور، با این استیضاح، جناح راست در مجلس از اکثریت افتاد. در روز رای‌گیری از ۲۶۳

روزنامه‌های حزب‌اللهی جشنواره مطبوعات را تحریم کردند



در ششمین جشنواره مطبوعات که از روز جمعه ۱۶ تا ۱۷ اردیبهشت در تهران برگزار شد، روزنامه‌های کیهان، ایران، رسالت، جمهوری اسلامی و سایر نشریات حزب‌اللهی و ضد آزادی غایب بودند. این روزنامه‌ها در اعتراض به ترکیب اعضای هیات داور که اکثر اعضای هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بودند و همچنین در اعتراض به سیاست‌های مطبوعاتی وزارت ارشاد، جشنواره مطبوعات را تحریم کردند و کوشیدند آن را از رونق بیاورند. اما بنا به گفته جرمیله کسروی یکی از روزنامه‌نگاران سرشناس طرفدار خاتمی، تحریم‌کنندگان حتی دو درصد تیراژ نشریات را نداشتند و اقدام آن‌ها در استقبال مردم از جشنواره چندان تأثیری نداشت.

در این جشنواره که در محل نمایشگاه‌های دائمی تهران برپا شده بود، ۴۳۰ نشریه شرکت کرده بودند. در فاصله یک هفته که جشنواره جریان داشت، نویسندگان و سردبیران روزنامه‌ها برای بازدید کنندگان از غرفه‌های مطبوعاتی سخنرانی کردند. صد تن از روزنامه‌نگاران، داور اولی به بررسی مطبوعات و انتخاب بهترین مقاله را برعهده داشتند. داور نهایی برعهده احمد بورقانی، هادی خامنه‌ای، لیلا رستگار، جلال رفیع، عباس عبدی، علی مزروعی و محمد مهدی بورقانی بود.

اول انقلاب، محدود به نشریاتی بود که بلندگوی تبلیغاتی رژیم بودند و معدود مجلاتی که در دوران وزارت خامنه‌ای اجازه‌انتشار یافتند و وابسته به حکومت نبودند نیز همواره تحت فشار و تهاجم حزب‌الله قرار داشتند و کسی به دفاع از آن‌ها بر نمی‌خاست. شکست سیاست تمامیت‌گرا در دوم خرداد، امکان تازه‌ای برای حضور گسترده مطبوعات در جامعه آفرید و به جز ماه‌های

حاقم بخشی!

امروز اگر رهبر یک حزب، از ندامت احزاب دیگر سخن به میان بیاورد و مهم‌تر شد فعالیت آزادانه آن‌ها را این گونه ندامت‌ها قرار دهد، او را به عنوان کسی می‌شناسند که از روی عقل سخن نمی‌گوید. اما ما در کشورمان متأسفانه هنوز با چنین افرادی سر و کار داریم که در مواضع رهبری سازمان‌ها نشسته‌اند و این سازمان‌ها در حکومت نیز سهم هستند و برای مردم تعیین تکلیف می‌کنند. آنان «تحمیل اندیشه‌ها»، «رقابت اندیشه‌ها» و سایر شعارهایی را که این روزها بسیار گفته می‌شود، در این فهمیده‌اند که همه اندیشه‌ها از گذشته و امروز خود ندامت کنند و مثل آنان شوند تا اجازه فعالیت «راحت و بی‌دردسر» در کشور پیدا کنند. باید به آقای سلامتی و دستاورد یادآوری کرد، اگر قرار بر ندامت بود، شلاق‌های امثال لاجوردی‌ها قاعدا می‌بایست کارایی بیشتری داشته باشد! بساز اگر قرار بر این‌گونه ندامت‌طلبی‌ها بود، پس فرق

است و آن‌ها خود باید در این مورد اعلام‌نظر کنند، اما از آنجا که ما نیز زمانی هستم که تلاش داریم آزادانه در کشور فعالیت کنیم، این گونه اظهارنظرها را با علاقه و جدیت دنبال می‌کنیم و از این همه حاتم‌بخشی در مورد آزادی به وجد آمده‌ایم! پیشنهاد ما به آقای سلامتی و دوستان ایشان این است که این مراسم را فقط به نهضت آزادی محدود نکنند و یک «کلاس آموزشی» برای همه سازمان‌ها و احزابی که مایل هستند به طور علنی در کشور فعالیت کنند تشکیل دهند و برای آن‌ها معلوم کنند که کجای کارشان خطاهای فاحش داشته است تا راه «ندامت» آسان‌تر و کم‌دردتر شود.

اما از این حاشیه که درخور چنان موضع‌گیری است که باید بگردیم، باید از آقایان پرسید، تا کی می‌خواهند اسیر این گونه افکار عقب‌مانده باقی بمانند و خود را «عقل کل» بدانند و برای همه مردم این سرزمین تعیین تکلیف کنند؟ در دنیای مستعد مسابقات نهائی هیجدهمین دوره قهرمانی باشگاههای فوتبال آسیا، روز جمعه، ۱۰ اردیبهشت در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شد و تیم استقلال، نماینده ایران در این دوره از مسابقات با شکست ۲ بر ۱ مقام قهرمانی باشگاههای آسیا را به تیم ژاپنی جویولایواتا واگذار کرد. گلهای بازی را برای تیم ژاپنی هیدتو سوزوکی در دقیقه ۳۵ و ماساشی ناکایاما در دقیقه ۴۵ و برای استقلال سیروس دین محمدی در دقیقه ۶۵ به ثمر رساندند.

استقلال تهران مقام دوم آسیا را کسب کرد

بازی با حضور بیش از یکصد هزار نفر تماشاگر برگزار شد و در آخر از سوی کمیته فنی، تیم استقلال، دروازه‌بان ژاپنی به عنوان بهترین بازیکن این دیدار معرفی شد. در دیدار رده‌بندی نیز العین امارات با نتیجه ۳ بر ۲ حریف چینی خود، دالیان را مغلوب و در رده سوم این پیکارها قرار گرفت. تیم فوتبال استقلال تهران در دیدار نیمه نهایی دالیان چین را با گل طلایی علی موسوی در وقت

مردم با حمایت از روزنامه‌هایی که پیگیرتر و جسورتر به شکارهای دوم خرداد پرخاسته‌اند، از فشار حکومت بر آنان کاسته‌اند اما هنوز کمیت و کیفیت مطبوعات کشور فاصله عظیمی با کثرت جمعیت و اراده آنان برای ایجاد تغییرات بنیادی در فضای سیاسی ایران دارد. عامل اصلی این فاصله، سیاست سانسور و سرکوب دانشی اهل قلم است که مانع رشد کمی و کیفی مطبوعات می‌شود و نمی‌گذارد روزنامه‌نگاران و خواسته‌های مردم را با صراحت و شفافیت و به دور از دغدغه حرفه و جان خود، بازتاب دهند.

در جامعه مطبوعاتی ایران هنوز جای بسیاری از روزنامه‌ها و نشریات خالی است. «کار» یکی از این نشریات است که حکومت مانع از حضور آن در کشور می‌باشد و بین این روزنامه با خوانندگان فاصله انداخته است. علیرغم کاستی‌ها، روزنامه‌ها و مجلاتی که در کشور چاپ می‌شوند، سنگر مهم مبارزه علیه استبداد هستند و نقش ارزنده‌ای در روشنگری و بسیج مردم برعهده دارند.

تیر زهر آگین اعتیاد جوانان را نشانه رفته است

اعترافات مسئولین نظام اسلامی در ارتباط با تعداد معتادین و شیوع مواد مخدر در بین نوجوانان و جوانان و آمار و ارقام اعلام شده در این ارتباط، نشان از گسترش مصیبتی است که بر نوجوانان و جوانان کشور می‌رود. طبق اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر رژیم اسلامی، (اگر در بیان رقم صادق بود باشد) در حال حاضر ۱/۵ میلیون معتاد در سطح کشور شناسایی شده‌اند، که میانگین سنی آنها تاکنون بین ۲۴ تا ۳۴ سال بوده است. با این نحوه رشد و با توجه به رشد جمعیت تا سال ۱۴۰۰، کشور ما حدود ۱۹ میلیون نفر معتاد خواهد داشت، که با رشد تساعدی رقم، میانگین سنی معتادین نیز به پائین‌تر کشیده خواهد شد. بنابراین نوجوانان و جوانان کشور در این عرصه نیز در مرکز هدف آفیون مرگ قرار دارند.

حکومت جمهوری اسلامی اگر خود مستقیماً عامل این فاجعه نبوده، مسبب و محرک این مصیبت اجتماعی بوده و سیاستهای آن، عامل عمده این فاجعه است. بیکاری و تلاش برای امرار معاشی روزانه، انگیزه‌هایی برای گرایش این نسل به خرید و فروش این ماده افیونی بوده و خواه ناخواه خود عاملین این شبکه را نیز به دام خواهد کشید. سابقه مبارزه با مواد مخدر در جهان و متحصدا کشور خودمان نشان می‌دهد که با تکیه بر زور و تهدید و توسل به فشارهای فیزیکی و حتی اعدامی‌ها فراوان، که روش مورد علاقه نظام اسلامی می‌باشد، نمی‌توان با اعتیاد به مبارزه برخوردست، بلکه تحولات و برنامه ریزی‌های اساسی و ریشه‌ای‌تر اجتماعی و اقتصادی را طلب می‌کند، بطوری که طبق اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر، نیروی انتظامی تا بحال تنها قادر بوده است ۲۰ تا ۲۵ درصد از میزان مواد مخدر موجود را کشف و ضبط کند و بقیه این مواد در سطح جامعه توزیع می‌شود.

تقلیل بیکاری و ایجاد زمینه‌های اشتغال به کار، ایجاد امیدهای پایدار در این زمینه و سایر زمینه‌ها و احتیاجات این نسل برای امکانات لازم در زمینه‌های سالم تفریحی و ورزشی و تحصیلی و... متناسب با روحیات و نیازهای آن و بالا بردن سطح رفاه عمومی و امنیت در معیشت خانواده‌ها، از ابتدائی‌ترین ابزارهای مناسب، موثر و کارا برای جلوگیری از پیشروی این آفیون اجتماعی و ریشه‌کنی آن می‌باشد.



تاکتون دو بار به مقام قهرمانی جام باشگاه‌های آسیا دست یافته است.

توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند

گذشته‌ایم که در دنیای متجدد و آزاد امروزین، صحبت یک دختر با یک پسر در محوطه دانشگاه حتی برای رفع اشکال درسی، او یزبان داشتن کت و کاپشن روی شانه در ساعات گرم روز، دوجرخه سواری حتی با پوشش اسلامی، شنیدن موزیک و سرود انقلابی! توسط والکن، پوشیدن لباس به رنگهای تحریک‌کننده و بیرون زدن چند تار مو از خدانود متعال و سلب حقوق بشر و آزادی بوده و برای حفظ آن، منحرفین و منحرفین فساد را از سطح دانشگاه و جامعه دور کرده و شکار می‌کنیم تا حرمت آزادی و حقوق بشر موجود لکه‌دار نشود.

از مردم فهیم و دانشجویان گرامی دعوت می‌شود تا با شرکت در این تظاهرات، در حمایت از آزادی و حقوق بشر و ارزشهای اسلامی، در مقابل دیدگان جهانیان به نمایش گذارند که...» از وظائف داخلی: به هم‌گونه که تاکنون در مقابل دیدگان جهانیان به نمایش

نشانده. * از وظائف بین‌المللی: ما تظاهرات می‌کنیم تا نسبت به زبیر یا گذاشتن حقوق بشر و آزادی انسانها در ترکیه که منجر به جلوگیری از اجرای آدای سوغند یک زن فقط به خاطر پوشش لباسش در پارلمان آن کشور شده، اعتراض کنیم تا آزادی برای انسانها بخصوص بانوان آن کشور، همچون کشور خودمان پدید آید.

با اصابت موشک ناتو به سفارت چین بحران بالکان پیچیده تری یافت



کارل پیلت و ادوارد کوکان نمایندگان سازمان ملل در کوزوو

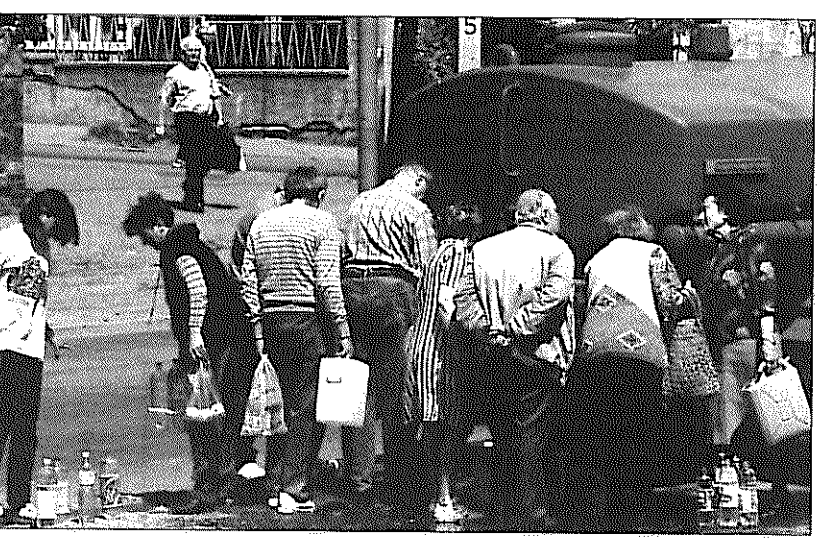
کرد. در این بیانیه آمده: این اقدام نظامی ناتو نقض آشکار کنوانسیون وین در مورد حقوق دیپلماتیک کشورها و سایر قوانین بین المللی است. ویکتور چرومیردین نماینده ویژه روسیه در امور کوزوو گفت: حمله ناتو به سفارت چین روند دستیابی به صلح در یوگسلاوی را سخت تر کرد و افزود: چنین حوادثی ابعاد جنگ را گسترش می دهد و شرایط را برای برقراری صلح مشکل تر می کند. وزیر امور خارجه روسیه نیز به دلیل حمله ناتو به سفارت چین در بلغراد سفر خود به لندن را لغو نمود. چندین هزار تن از مردم خشمگین پکن روز شنبه گذشته در مقابل سفارت آمریکا و انگلیس اجتماع کردند و حمله نیروهای ناتو به سفارت این کشور در بلغراد را محکوم کردند. این تظاهرات به خشونت گرازی و سفارت آمریکا مورد حمله قرار گرفت.

آن را تعیین خواهد کرد. کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل از بیانیه اجلاس وزیران امور خارجه گروه ۸ ابرار خشنودی کرد و گفت: از اینکه تصمیم گرفته شده که از اصول قطعنامه شورای امنیت برای طرح نقشه ای در جهت حرکت به سوی راه حل سیاسی بحران و دخالت دادن دیگر کشورهای عضو شورا استفاده شود، خشنود است. وی کارل پیلت و ادوارد کوکان را مأمور ویژه سازمان ملل در امور کوزوو ساخت. شنبه جمعه گذشته سه راکت نیروهای ناتو به سفارت چین در بلغراد اصابت کرد که بر اثر آن دو تن کشته و ۲۰ نفر دیگر مجروح شدند و بخشی از ساختمان سفارتخانه ویران شد. یکی از اتباع چینی که در این حادثه کشته شد «شانو یون هوان» خبرنگار خبرگزاری دولتی چین «شین هوا» بود. دولت چین با صدور بیانیه ای این اقدام را محکوم کرد.

سازمان ملل آمار آوارگان کوزوویی را اعلام کرد. بر اساس گزارش این کمیسیونی بیش از ۷۵۰ هزار نفر کوزوویی آواره شده اند. این در حالی است که پار سنکین تامین کمک به این آوارگان بر دوش کشورهای فقیری مثل البانی و مقدونیه است. کشورهای عضو ناتو و اروپا از پذیرفتن این آوارگان سر باز زده اند و کمک های ارسال شده به هیچ روی کفاف این سیل عظیم انسانی را نمی دهد.

گام های مثبت مبارز صلح جسی جکسون طی ملاقاتی با میلوسویچ موفق گردید سه سرباز اسیر آمریکایی را آزاد نماید و نامهای آن میلوسویچ را به بییل کلیتون رساند که از محتوای آن گزارشی بدست نرسیده است. گفته می شود میلوسویچ خواستار ملاقات با کلیتون گردیده است. جکسون خواهان شدت بخشیدن اقدامات دیپلماتیک برای برقراری صلح و قطع بستن باران یوگسلاوی شد.

رگوار رهبر معتدل و میانرو آلبانی تاران کوزوو یوگسلاوی را به مقصد ایتالیا ترک کرد. وی که از ابتدای حملات در



مباران لوله های آب مردم بلغراد را با کمبود آب آشامیدنی مواجه کرده است

آلبانی	۳۹۵۰۰۰ نفر
مقدونیه	۱۹۳۰۰۰ نفر
مونته نگرو	۶۱۷۰۰ نفر
صربستان	۵۰۰۰ نفر
پوستنی هرزه گوین	۱۵۰۰۰ نفر
آلمان	۹۹۷۴ نفر
توکیه	۲۳۵۴ نفر
فرانسه	۱۴۷۲ نفر
هلند	۱۲۰۵ نفر
بلژیک	۱۱۴۵ نفر
اتریش	۷۵۸ نفر
سوئد	۴۸۱ نفر
فنلاند	۲۳۰ نفر
انگلیس	۱۵۶ نفر
دانمارک	۱۰۶ نفر
اسرائیل	۳۳ نفر
سوئیس	۳۳ نفر
ایسلند	۳۳ نفر

کشته شدن ۶۵ نفر غیر نظامی سرنشین یک اتوبوس گفت: خلبان هوایی جنگنده اول بمب خود را به سوی پل رها کرده بود که اتوبوس از راه رسید. نصابودی راده ها، پل ها، ساختمان ها، کارخانه ها، کمبود مواد غذایی، آب آشامیدنی و دارو، قطع برق بیمارستان ها سطح زندگی مردم را به عصر حجر عودت داده است. روزنامه اسپانیایی «ال موندو» به نقل از متحدین در یوگسلاوی تاکنون بیش از یکصد میلیارد دلار خسارت مالی در این کشور بر جای گذشته و باعث بیکاری بیش از ۵۰۰ هزار نفر گردیده. هنوز آمار دقیقی از خسارات جانی ارائه نشده است.

آوارگان را دریابید! کمیسیاری عالی پناهندگان

مباران شهرهای یوگسلاوی وارد هشتمین هفته شد. طی روزهای گذشته وزارت دفاع، وزارت امور داخلی، فرودگاه نظامی باتینسیا، فرودگاه شهر سومور، دفتر ارتش یوگسلاوی در شهر پارچین و همچنین مناطق غیر نظامی در شهرهای بلغراد و نووی ساد مورد حمله قرار گرفتند. علاوه بر آن نیروگاه برق نیکولاسلا در شهر «اوبرناتس» که برق شهر بلغراد را تامین می کند بمباران شد که مناطق مسکونی، بیمارستان ها و سردخانه ها در خاموشی فرو رفتند. طی روزهای گذشته به تعداد حملات «اشتباهی» هواپیمایی ناتو به اهداف غیر نظامی افزوده شد و حتی یک موشک در نزدیکی سوویا پایتخت بلغارستان باعث تخریب چند منزل مسکونی گردید. سخنگوی ناتو در رابطه با

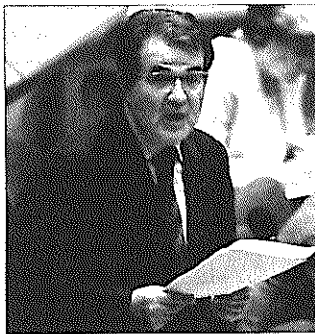
قرآن غلط و شوخی های «دمکراتیک» یک امیر!

روز سه شنبه هفته گذشته امیر کویت شیخ جابر آل احمد الصباح مجلس این کشور را منحل اعلام کرد. انتخابات بعدی روز دوازدهم تیرماه سال جاری خواهد بود. طی روزهای گذشته گروهی از نمایندگان مجلس کویت با طرح موضوع چاپ قرآن با اشتباهات فاحش، احمد الکلیب وزیر دادگستری و اوقاف امور اسلامی این کشور را مسئول این امر دانسته و خواستار استیضاح او شدند. پیشنهاد استیضاح وزیر از سوی ۲۰ نماینده تهیه و به مجلس ارائه گردید. شیخ صباح الاحمد الصباح معاون اول نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت در پایان جلسه استیضاح ضمن انتقاد از نمایندگان مجلس گفت: ما و نمایندگان مجلس طرفدار دموکراسی هستیم اما از سه سال پیش که اعضای پارلمان انتخاب شده اند تاکنون هیچ کاری که بتوان به آن افتخار کرد انجام نگرفته است. بر اساس گزارش رسانه های گروهی کویت، امیر آل صباح بر اساس اختیاراتی که «قانون اساسی» به او داده مجلس این کشور را منحل کرده است. مجلس کویت قبلاً نیز دو بار در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۸۶ منحل شده بود. هنوز معلوم نیست که قانون اساسی کویت تا چه حد از «قانون امیر» در امان است.

سوی دولت ها منصوب می شوند. اینسان معمولاً سیاستمداران «سوخته ای» هستند که چند صباحی نیز با درآمد های بسیار بالا و استفاده از امکانات مالی به بروکسل فرستاده می شوند. آنان علاوه بر اختیارات بی حد و حصر مالی، تعداد زیادی از اعضای می برند. پرودی در سخنرانی خود گفت که وی چگونه دستگاه بروکسل ۱۷۰۰۰ نفری «پورو» کراتیک را رفرمیزه خواهد کرد.

رومانو پرودی: آن چیزهایی که نگفت!

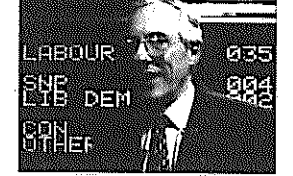
انتخاب شدن به رهبری ائتلاف زیتون وارد سیاست شد و در انتخابات اکثریت را کسب کرد و در سال ۱۹۹۵ نخست وزیر ایتالیا شد. سال گذشته با خروج کمونیست ها از دولت ائتلافی دولت وی اکثریت آراء در مجلس را از دست داد و از نخست وزیری کناره گیری کرد.



رومانو پرودی به عنوان رئیس کمیسیون اروپا رای مثبت، ۷۲ نفر رای منفی و ۴۱ نفر رای متعادل دادند. پرودی کار خود را به عنوان استاد اقتصاد در دانشگاه های هاروارد آمریکا و بولونیا ایتالیا آغاز کرد. وی در سال ۱۹۹۴ با

انتخابات پارلمانی اسکاتلند به چه معنی است

بیش زمینه ها: در سال ۱۲۹۶ اسکاتلند به انضمام انگلیس درآمد. ۳۲ سال بعد استقلال اسکاتلند از طرف انگلیس به رسمیت شناخته شد و پس از آن دیربوم پادشاه این کشور گردید. پس از مرگ ملکه الیزابت در سال ۱۶۰۳، جمیز ششم شاه اسکاتلند، بعنوان جمیز اول پادشاه اسکاتلند و انگلیس گسردید. پارلمان های این دو کشور بالاخره در سال ۱۷۰۷ و بموجب قانون اتحاد یکی گردید و نام رسمی کشور نیز بریتانیای کبیر اعلام شد.



حزب کارگر و سیاست عدم تمرکز هفته گذشته پس از ۳۰۰ سال برای نخستین بار در اسکاتلند انتخابات پارلمانی برگزار گردید. در این انتخابات نماینده حزب کارگر «دونالد دوور» به پیروزی رسید. این حزب در پارلمان آتی ۵۶ کرسی را در اختیار خود خواهد داشت. حزب ناسیونالیست اسکاتلند «SNP» به رهبری آلکس سالون که تا قبل از انتخابات انتظار پیروزی آن می رفت، شکست خورد و با ۲۸ کرسی به نیروی دوم پارلمان اسکاتلند تبدیل گردید. شون کانی «جمیز باند سابق» در کارزار انتخاباتی به نفع حزب ناسیونالیست وارد عمل شد. ناظران گفتند: وی سال ها قبل شرمسار از لهجه اسکاتلندی اش مدت دو ماه خود را در اتاقی زندانی کرد تا لهجه اش را از بین ببرد. او متهم است که برای عدم پرداخت مالیات اسکاتلند را ترک کرده و امروز داعیه ملی گرایی دارد. سیستم انتخاباتی در بریتانیا از دوران چرچیل به این سو مبتنی بر کسب اکثریت مطلق آرا بود. در انتخابات اسکاتلند برای نخستین بار اکثریت نسبی آرا به اجرا گذاشته شد. این امر احزاب را وادار به ائتلاف با یکدیگر